

حادثه خبر نمی دهد اخطار می دهد

مهرزاد شفیع پور

ما در مسیر حادثه اخطار می شویم

نوریم و با شقاوت شب تاریک می شویم
تکرار مرگبارترین حوادث زلزله در ایران طی نیم قرن اخیر
(شهریور ۱۳۴۱ بوئین زهرا تعداد کشته حدود ۲۰۰۰۰ تن،
شهریور ۱۳۴۷ دشت بیاض و فردوس تعداد کشته حداقل
۱۲۰۰۰ تن، شهریور ۱۳۵۷ طبس تعداد کشته حداقل ۱۵۰۰۰
تن، خرداد ۱۳۶۹ رودبار و منجیل تعداد کشته حداقل ۴۰۰۰۰
تن، دی ماه ۱۳۸۲ بم تعداد کشته حداقل ۳۰۰۰۰ تن و ...) تا
کنون وجدان ما را که هیچ بیدار نکرده، ما را به فکر نیز فرو
نبرده است.

آسیب های اجتماعی و تلفات گسترده حیوانات و زیان های
مادی را به این آمار که اضافه کنیم در جایگاه خود تأسف بار
و ناراحت کننده هستند، اما با نگاهی به این مصائب، وحشت
آنچه در آینده ممکن است پیش بیاید را دوچندان می کند.
حتی تصور چنین زمین لرزه هایی در شهرهای بزرگ ایران،
بخصوص تهران و دیگر کلان شهرها بیش از اندازه وحشتناک
تر است.

ما ملتی احساسی هستیم، در بجزوچه حوادث دلخراش و غم
انگیزی چون زلزله اخیر در مناطق غربی کشور بخصوص
شهرها و روستای مرزی استان کرمانشاه آه و ناله سر می دهیم
و از زمین و زمان جز خودمان انتقاد می کنیم. همین که گرد
و غبار این حوادث فروکش می کند؛ همه چیز را فراموش
می کنیم. تا حادثه دیگر نیز کوچک ترین اقدام و برنامه ریزی
برای جلوگیری از این حوادث نکرده و نخواهیم کرد.

البته درماندگی فکری و مادی ما مردم ایران از جمله عواملی
اند که به حس مسئولیت ناپذیری ما در قبال این حوادث
لطمه زده است؛ اما نقش زمامداران کشور در این قضایا را
نباید فراموش کرد، زیرا مردم سرنوشت خویش را به دست
آنان سپرده اند. بخش گسترده ای از تلفات جانی و خسارات
مالی، روحی، روانی، جسمی ناشی از وقوع این گونه حوادث
ناشی از سهل انگاری، بی تدبیری و بی برنامه گی دولتمردان
ماست. چون که بیش از نیم قرن است که اقدامات مناسبی
برای کاهش تلفات مادی و انسانی در برابر این گونه حوادث
انجام نگرفته است

بدتر از این حوادث، سالهاست برخی از زمامداران این مرز
بوم به دنبال چرایی و علت وقوع زلزله و سایر حوادث طبیعی
هستند. اما هیچ گاه حاضر نیستند از خود بپرسند، چگونه
دنیا و کشورهای زلزله خیز مثل ایران؛ توانستند ۹۰ درصد

زیست بوم خود را در برابر این بلای طبیعی مقاوم سازند و
خسارات مالی و انسانی ناشی از آن را به حداقل برسانند؟
چرا ما نتوانستیم تاب آوری خود در برابر این پدیده طبیعی
بالا ببریم؟

لذا امروزه اسفناک تر از این بلای خانمان سوز که همه چیز را
بر سر هم وطن نان بی پناه کردمان آوار کرد؛ سخنان سخیف
برخی زمامداران حاکم برماست که علت و چرایی زلزله
را بد حجایی زنان، رفراندوم اقلیم کردستان و ... می دانند.
بیان و انتشار این تفکرات قرون وسطایی در قرن ۲۱ با حجم
گسترده دانش بشری بخصوص در حوزه علم فیزیک و سایر
علوم تجربی دیگر فاقد هرگونه وجهت بوده و چیزی جز
ناآگاهی، فقر فکری و درماندگی ما نیست. امروزه کوچک
و بزرگ باسواد و بی سواد، دانشمند و غیر دانشمند می دانند
زمین لرزه یک پدیده طبیعی است. در تعریف کتاب فیزیکال
جئوگرافی آمده است:

«زلزله یکسری از تکان ها و لرزش های ناگهانی که از آزاد
شدن فشار در طول گسل های فعال و در مناطق آتشفشانی
فعال ناشی می شود. تکان ها و لرزش های سطح زمین که در
ارتباط با حرکات پوسته زمین در زیر زمین می باشد.»

هر چند بشریت نیز در مقیاس های کوچک می تواند، موجب
خرابکاری و انفجارهای مهیب در سطح زمین شود. اما بلایای
طبیعی و نبود باران هیچ ربطی به بدحجایی زنان، بی دینی و
کم توجهی به مذهب، شادی کردن، برگزاری رفراندوم و
رای دادن مردم به یک نظر یا نفر نداشته و نخواهد داشت.

ای کاش به جای این حرف ها در تریبون های رسمی و
رسانه های جمعی به همدلی و همراهی با مردم حادثه دیده و
التیام بازماندگان این حوادث پردازیم. اگر کمکی از دستمان
بر نمی آید حداقل نمک بر زخم آنان نپاشیم. هر کدام از ما
در جایگاهی که هستیم نقش خود را در این طور مواقعی نباید
فراموش کنیم. تک تک ما از مردم تازمامداران گرفته باید در
روزهای حادثه کمک حال، یار و یاور حادثه دیدگان باشیم.
اما فردای این روزها نیز نباید آنان را فراموش کرده و در عین
حال برای جلوگیری و تکرار این گونه حوادث وحشتناک در
کشور باید چاره اندیشی و برنامه ریزی کنیم.